

آغاز دوباره دیدن کودکان و خانواده‌ها فزاینده شادی و زیبایی و سرزندگی است. در این فصل زیبا، دگر بار گام‌های کوچک کودکان بر روی سنگفرش خیابان‌ها، انگشتان گره خورده کودکان در انگشتان مادران و پدران کنجکاو همگان را برمی‌انگیزد و از آغاز دوستی کودکان و تعامل آنان با مکان‌های تربیتی و آموزشی و فرهنگی خبر می‌دهد. در این روزهای شاد و اندکی تنش‌زای احتمالی، شایسته است این مراکز امنیت، شادی، بهداشت و یاددهی را به یک‌باره فراهم آورند که دستاورد محیط‌های آموزشی تربیت انسان‌های سالم و مثبت‌نگر است.

در اهمیت دوره کودکی و سال‌های اولیه همین بس که این مهم در مفهوم کودک به عنوان بخش ویژه و بی‌همتای هستی انسانی نهفته است و بنابراین پاره ارزشمندی از چرخه زندگی است. وقتی خانواده‌ها و جامعه این دوره و کودکان را همان‌گونه که هستند بدون قید و شرط بپذیرند، آن‌گاه می‌توانند مسئولیت تدارک یک زندگی و آموزش و تربیت کیفی را برای آنها به‌عهده گیرند.

سردبیر

در این آغازین روزهای مهر، مریبان چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟

در برنامه‌ریزی‌های نوین در سراسر

دنیا، برنامه‌ریزی در این دوره پایگاه استوار و عمیقی پیدا

کرده است. با بدیهی شمردن ضرورت و اهمیت این دوره و توجه اصولی به

آموزش‌های پایه امروزه شاهد کاهش فاصله طبقاتی و باز کردن درهای بهشت تربیت

به روی همگان هستیم. کودکان محروم فرهنگی، کودکان دارای والدین شاغل یا دو شغله و گاه

چند شغله، غایب و یا کم حضور، کودکان دارای والدین ناپخته و بسیار جوان، کودکان تحت سرپرستی

مادر بزرگ و پدر بزرگ و سالمند و بستگان دیگر، کودکان دارای والدین با بیماری‌های خاص و یا ناسالم، خانواده

تحت فشار و استرس و دیگر انواع همگی در این مکان‌های آموزشی و تربیتی پیش دبستان از تولد تا پیش از ورود به

دبستان جایی را اشغال کرده‌اند. نگاهی به بافت کودکان از جنبه‌های گوناگون ایجاب می‌کند که به این مکان‌ها همچون

خانه تربیت، بازیابی، خودسازی، محرومیت‌زدایی، درمان‌یابی و البته آموزش و یادگیری درست نیز بنگریم.

کودکان سرمایه هر کشوری هستند، در واقع ثروت یک ملت و کیفیت زندگی انسان‌ها را در چند دهه آینده می‌توان

براساس وضعیت کودکان امروز و توانایی‌های آنها برای حل مشکلات خود، خانواده، جامعه و کشورشان پیش‌بینی کرد.

تغییرات اخیر از جوانب گوناگون بر دنیای پر راز و رمز کودکان به‌عنوان مخاطبان اصلی اثر گذاشته و برای آنان نیازهای

جدیدی به وجود آورده است. بالطبع، جامعه آموزشی و برنامه‌ریزی‌های گوناگون از هر نوع که باشند و در هر وضعیتی که

به سر برند، باید در این زمینه پاسخ‌گو باشد؛ زیرا نیازهای جدید پاسخ‌های جدید می‌طلبند.

شاید ما به‌طور خیلی دقیق ندانیم که در آینده غیرقابل پیش‌بینی، فرزندانمان با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهند شد اما

می‌دانیم برای روبه‌رو شدن با این چالش‌ها باید خلاق و مبتکر بود و دیدی باز و مثبت داشت. کودکان ما باید به بزرگسالانی

تبدیل شوند که بتوانند با وقایع و رویدادهای غیر مترقبه و بحران‌های احتمالی مقابله کنند. هدف‌های تربیتی و برنامه‌های درسی

ملی باید بتوانند سبب خودشناسی مثبت کودکان شود؛ به جهان‌بینی سالمی دست یابند؛ علم موجود را در موقعیت‌های جدید

به کار برند؛ نوآور و خطرپذیر باشند و نیز صد البته ذهنی کنجکاو برای پدید آوردن علم و ابتکارات نو پیدا کنند.

و اینجاست که مأموریت سازمان‌های تربیتی و وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تربیتی جایگاه و ارزش

والای این دوره را باید نمایان سازد.

تا زمانی که با عبارات و کلمات سرشار از ابهام و ابهام همچون رسمی یا غیررسمی شدن، عمومی یا غیر عمومی، اجباری



کودکان سرمایه هر کشوری هستند، در واقع ثروت یک ملت و کیفیت زندگی انسان ها را در چند دهه آینده می توان بر اساس وضعیت کودکان امروز و توانایی های آنها برای حل مشکلات خود، خانواده، جامعه و کشورشان پیش بینی کرد

و الزامی یا غیر آن، خصوصی یا غیر خصوصی و دولتی و حتی بودن یا نبودن این دوره از آموزش ها و رکن اساسی زندگی انسان سخن رانده شود، در تحقق اهداف تربیتی از طریق برنامه درسی ملی و جایگاه کودکان در سند تحول بنیادین نظام آموزشی باید تردیدهایی داشت. به نظر من هر گونه سطحی نگری، سوءقصدی به نظام تعلیم و تربیت محسوب می شود.

و اما... زاویه دیگر سخن من، مربیان و پرورش کاران کودکان اند. در سفرهای استانی و نشستن پای صحبت آنها، بغض های نهفته و دل نگرانی های آنان بیشتر نمایان می شود. مربیان مراکز آموزشی پیش از دبستان و مهدهای کودک چه می گویند و چه می خواهند؟

حکایت تازه ای نیست که در نظام آموزشی، چارت سازمانی این دوره تربیتی در نقشه سازمانی ترسیم نشده است. از کجا می آیند؟ چگونه گزینش می شوند؟ متولی اصلی آماده سازی آنها کجاست؟ آموزش های اولیه، حین خدمت

و دانش افزایی آنها را کجا باید به عهده داشته باشد؟ وظایف و مسئولیت هایشان را چه کسی تعیین می کند؟ ارتقای شغلی آنها چگونه باید صورت گیرد؟ آیا کارشان درست است؟ چه کسی ارزیاب عملکرد آنهاست؟ از همه مهم تر اینکه با همه سختی و مقابله با مصایب به ویژه در نواحی محروم و شهرستان ها، بودجه برای تأمین زندگی آنها و وضعیت سخت کاری، بازنشستگی، بیمه و دیگر نابسامانی های معیشتی و شغلی آنان را چه کسی پاسخگوست؟ چه کسی به حقوق آنها رسیدگی می کند؟

و نیز در حیرتم که چرا بین عرضه و تقاضای نیروی انسانی برای این آموزشگاه ها ارتباط درستی نیست؟ فرمول غریبی است که از سال ۱۳۶۰ دانشگاه ها در رشته آموزش و پرورش پیش دبستانی دوره کارشناسی داشته اند و از سال ۱۳۸۲ نیز دوره کارشناسی ارشد دارند و دانش آموختگان بی شماری را برای این مهم آماده ساخته اند. نیروهایی که عطش زیادی برای استخدام و کار با کودکان دارند. ولی رابطه ای اصولی بین جایگاه تأمین نیروی انسانی برای این دوره و دنیای کار و متولیان دست اندر کار ایجاد نشده است.

گفتنی است وقتی مربیان علاقه مند، پرانگیزه و پرنرژری خود را ناامید و درمانده ببینند، باید به سر نوشت تربیتی کودکان تحت آموزش آنها نگاهی مسئولانه تر انداخت. زیرا رضایت شغلی به ویژه در این سطح و رضایت خانواده، شادی و آموزش کودکان و امنیت جامعه را بیشتر تأمین می کند.

آیا وقت آن نرسیده است که وزارت آموزش و پرورش برای نگر داشت آنان و جایابی و تأمین نیروهای خود از این افراد پرتوان، آگاه و علاقه مند و پرانگیزه استفاده کند؟ چرا باید به برخی از این آموزشگاه ها فرصت سوء استفاده بدهیم که نیروهای خود را از هر جا و با هر ویژگی تأمین کنند و در جایی دیگر نیروهای آماده عاطل و باطل بمانند؟ آیا این هدرروی انرژی و سرمایه های انسانی نیست؟ جا دارد در این سال پربرکت، از این نیروهای خلاق و توانمند استفاده کرد و کودکان و خانواده ها را نیز در امنیت ذهنی بهتری از جهت بهره دهی مراکز پیش دبستانی نگه داشت.

تقاضای همه مربیان، دیدن کار و شغل خود در برنامه ریزی های نوین است. در این تغییرات باید زوایای پرامید را پیش روی مربیان و این زحمتکشان خاموش روشن ساخت. به این بهانه از مسئولان و دست اندر کاران نظام آموزشی نیز تقاضای جدی رسیدگی به وضعیت مربیان و این تأثیرگذاران اولیه در زندگی کودکان را داریم.

در این فصل زیبا، با تشکر از همه عزیزان پرتلاش، مربیان و والدین کودکان که مشوق فصل نامه هستند و نیز کارشناسان و دانشجو یان که با مطالب ارزنده خود در پربار کردن نشریه سهم شایان توجهی دارند، امید فراوان دارم که با اندیشه های سازنده خود هیئت تحریریه مجله و برنامه ریزان را یاری کنند.

